

بازداشت موقت از منظر اصول دادرسی عادلانه

دکتر محمود صابر*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲۷

چکیده

بازداشت موقت یکی از قرارهای تأمینی است که قبل از احراز جرم و صدور حکم محکومیت و در هنگام بقای فرض مجرمیت، متهم را از آزادی رفت و آمد محروم می‌کند و از این حیث بسیار شبیه به مجازات حبس است. به همین جهت و به لحاظ آثار سوئی که این قرار تأمین دارد، موارد اعمال آن بسیار محدود است و صرفاً در موارد خیلی ضروری باید صادر شود. از جمله اینکه دامنه قرارهای بازداشت موقت اجباری باید بسیار محدود باشند. هم‌اکنون مقررات آیین دادرسی کیفری حکایت از آن دارد که قرار بازداشت صرفاً در صورت احراز شرایطی می‌تواند صادر شود که در بند دال ماده ۳۲ ق. آ. د. ک آمده است. لذا می‌توان قائل شد که قرار بازداشت موقت اجباری عملاً از نظام حقوقی ایران حذف شده است و تطبیق و احراز شرایط در هر مورد نیز بر عهده مقام تحقیق است و صرفاً با وجود شرایط قانونی می‌تواند قرار بازداشت صادر نماید. همچنین از حیث نحوه اعتراض به قرار بازداشت یا بازداشت بدل از سایر قرارهای تأمینی ابهاماتی در نظام حقوقی فعلی هست که باید با اصلاح قانون رفع گردد.

کلید واژگان: بازداشت موقت، اعتراض به قرار بازداشت، دادرسی عادلانه، تحقیقات مقدماتی

معاونت تحقیقات،

آموزش و حقوق شهروندی

Email: m.saber77@hotmail.com

* عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

<http://www.lri.ir>

معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی

مقدمه

یکی از حقوق بنیادین انسان این است که آزادی رفت و آمد داشته باشد. این حق در اسناد مهم بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده است. از جمله می‌توان به ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶ منشور افریقای و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشاره کرد. یکی از بارزترین مصادیق آزادی، آزادی تردد و رفت و آمد است، اما گاهی مقامات قضایی با صدور قرار بازداشت عملاً موجب زندانی شدن متهم در تمام یا بخشی از مدت تحقیقات مقدماتی می‌شوند. بازداشت اقدامی بسیار شدید علیه آزادی فردی و مخالف با فرض برائت است. زیرا قبل از تعیین کیفر در دادگاه صالح، متهم عملاً مشمول تحمل مجازات می‌شود. از سوی دیگر قرار بازداشت آثار سوئی بر اجرای عدالت دارد، به گونه‌ای که قضات برای صدور رأی برائت فردی که مدتی را در بازداشت گذرانده است، کمتر رغبت نشان می‌دهند و برای عدم تکذیب بازپرس، مجازاتی انتخاب می‌کنند که لااقل مدت آن با طول بازداشت موقت، مساوی باشد و در صورت طولانی بودن آن، به سادگی از تعلیق اجرای مجازات و جایگزین‌های حبس استفاده نمی‌کنند.^۱ این وضعیت هنگامی شدیدتر می‌شود که در صورت اعلام بی‌گناهی شخصی که مدت طولانی در بازداشت بوده است، قوای عمومی مکلف به پرداخت خسارت به چنین شخصی باشند. از سوی دیگر هم اکنون سیاست جنایی در اغلب کشورهای مرفعی با الهام از مواضع مکتب دفاع اجتماعی جدید، ناظر بر استفاده هرچه بیشتر از جایگزین‌های مجازات زندان است، مانند جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، کارهای عام‌المنفعه و به‌ویژه استفاده از نهادهای تعلیق ساده یا مراقبتی. توسل به این ابزارها، برای اجتناب از شرایط نامطلوب زندان و جرم‌زا بودن آن همواره توصیه می‌شود.^۲

۱. استفانی، لواسور، بولوک؛ آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷، ص ۸۳۹.

۲. مارک، آنسل، دفاع اجتماعی؛ ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی؛ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، صص ۹۶-۱۰۳.

۱. آثار سوء قرار بازداشت

واضح است که تعلیق مجازات کسانی که دوران تحقیقات مقدماتی را در بازداشت به سر برده‌اند، به فرض اعطای تعلیق از دادگاه مغایر با هدف تعلیق و فاقد آثار مطلوب آن به‌ویژه در مورد جوانان و نوجوانان است. همچنین ترس از بازداشت نزد بسیاری از افراد، از جمله عوامل مهمی است که می‌تواند از تکرار جرم و «انحراف ثانوی» آنان ممانعت کند؛ لیکن این ترس بر اثر زندانی شدن در طول بازداشت موقت که می‌تواند در برخی موارد بسیار طولانی باشد، نه تنها فرو می‌ریزد، بلکه متهم در بازداشتگاه - که متأسفانه در بسیاری از کشورها با زندان محکومان تفاوتی ندارد - بر اثر معاشرت با سایر زندانیان و ویژگی‌های مثبت شخصیتی و خاصیت اصلاح‌پذیری خود را نیز از دست می‌دهد.^۱ بازداشت موقت بر حق دفاع متهم نیز آثار سوئی خواهد داشت و او را از دسترسی آزاد به اطلاعات حقوقی و استفاده از مشاوره و کیل دادگستری محروم می‌کند و به او مهلت تدارک دفاعی معقول و منطقی نمی‌دهد. دوری از محیط اجتماعی در طول ایام بازداشت آثار روانی مخربی بر شخص بازداشت‌شده می‌گذارد و از همه مهمتر اینکه آثار اجتماعی و روانی بازداشت موقت، صرفاً محدود به متهم نخواهد بود و اطرافیان و خانواده او را هم شامل می‌شود. با توجه به مضرات بسیاری که بازداشت موقت دارد، امروزه مجامع حقوقی به محدود کردن هر چه بیشتر موارد صدور قرار بازداشت موقت گرایش دارند و شرایطی ماهوی و شکلی برای این امر در نظر گرفته می‌شود که صدور آن به حداقل برسد.

در این زمینه در توصیه شماره ۱۳ رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان که به «رهنمودهای ریاض» معروف‌اند، متذکر شده که بازداشت قبل از محاکمه باید به عنوان «آخرین چاره» و برای «کوتاهترین مدت ممکن» به کار برود؛ در سطح بین‌المللی نیز از بازداشت موقت به عنوان اقدامی «بد» ولی «گاهی ضروری» یاد می‌شود.^۲ در عین حال چنانچه برای فردی قرار بازداشت موقت صادر شد، حقوق او به نحو کاملی تضمین شود، به گونه‌ای که متهم صرفاً از آزادی رفت و آمد محروم باشد و به سایر حقوق او لطمه‌ای وارد نشود. این امر اقتضا دارد که موارد صدور قرار بازداشت موقت اجباری لغو

۱. محمد، آشوری، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ ۱۳۷۹، ص ۱۴۱.

۲. همان منبع، ص ۱۳۵.

شود و دستگاه عدالت کیفری به سمتی حرکت نماید که از جایگزین‌های قرار بازداشت موقت استفاده نماید. به گونه‌ای که استفاده از قرارهای «کنترل قضایی جایگزین» به عنوان اصل در رأس کار دستگاه قضایی باشد و قرار بازداشت موقت صرفاً به عنوان آخرین راه حل برای مدتی معقول و مناسب در جایی صادر شود که عمل ارتكابی بسیار شدید است یا جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم صرفاً با بازداشت محقق می‌شود یا آزاد گذاشتن متهم منجر به امحای آثار جرم و تبانی با شهود و مطلعین می‌شود یا بازداشت متهم به عنوان یک اقدام تأمینی، توجیه‌کننده حفظ حیات متهم یا ممانعت از تکرار جرم او باشد.

۲. جایگاه قرار بازداشت اجباری

اصولاً اهداف قرارهای تأمینی از جمله قرار بازداشت موقت، جلوگیری از امحای دلایل جرم توسط متهم، امکان دسترسی سریع به متهم جهت ادامه تحقیقات مقدماتی و نهایتاً اجرای حکم محکومیت و مواردی از این قبیل است. البته در برخی جرایم مهم نظیر قتل عمد و جرایم علیه امنیت ملی، عواملی از قبیل حفظ جان متهم تا زمان محاکمه یا مصالح و منافع عمومی نظیر ممانعت از تکرار جرم می‌تواند صدور قرار بازداشت موقت را توجیه نماید.

به همین جهت قرارهای بازداشت به دو دسته تقسیم می‌شوند: قرار بازداشت اختیاری و قرار بازداشت اجباری. در دسته اول که اغلب قرارهای بازداشت این چنین هستند، احراز ضرورت یا عدم ضرورت قرار بازداشت با مقام قضایی، از جمله بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی است. اما در دسته دوم گویا قانونگذار قبلاً این ضرورت را تشخیص داده است و مقام قضایی پس از احراز اتهام، لزوماً باید قرار بازداشت موقت متهم را صادر نماید.

با آنکه بازداشت اجباری متهم با ضرورت تشخیص «تناسب قرار» تعارض دارد، قانونگذاران بسیاری از کشورها در سده نوزدهم و حتی نیمه اول قرن بیستم، با لحاظ ضرورت‌های عملی در برخی اتهامات، قضات تحقیق را مکلف به صدور قرار بازداشت متهمان نمودند. در این گونه موارد مقام قضایی نیازی نیست دلایلی برای ضرورت بازداشت متهم ارائه کند و صرف استناد به مواد قانونی مربوط حکایت از تناسب و مشروعیت قرار بازداشت دارد. در قوانین کشورهای اروپایی که قرار بازداشت موقت اجباری در مواردی

پیش‌بینی شده بود، در نیمه دوم قرن بیستم با شروع تفرید مجازات‌ها، قانونگذاران فردی کردن قرارهای تأمینی را نیز در نظر گرفتند و اغلب کشورها که به تدریج به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ملحق شده‌اند، به علت مغایرت بازداشت اجباری متهمان با فحوای کنوانسیون در صدد لغو بازداشت موقت اجباری برآمدند.^۱

حال با لحاظ این مقدمه باید دید که وضعیت نظام کیفری کنونی ایران در این مورد از چه قرار است.

ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ در مقام ذکر قرارهای تأمینی مقرر می‌کند: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید...».

۳. بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری

حال باید دید که شرایط این قانون در مورد بازداشت موقت چیست. ضوابط ناظر بر بازداشت موقت در این قانون در مواد ۳۲ الی ۳۸ ذکر شده است، به گونه‌ای که ماده ۳۲ قانون ناظر بر موارد بازداشت موقت اختیاری و ماده ۳۵ قانون نیز ناظر بر موارد بازداشت به اصطلاح اجباری است.

در ماده ۳۲ آمده است: «در موارد زیر هرگاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت جایز است».

(الف) جرائمی که مجازات قانونی آن اعدام، رجم، صلب و قطع عضو باشد.

(ب) جرائم عمدی که حداقل مجازات قانونی آن سه سال حبس باشد.

(ج) جرائم موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی.

(د) در مواردی که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شود یا باعث

تبانی با متهمان دیگر و شهود و مطلعین واقع گردد یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند. همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود.

۱. محمد، آشوری، منبع پیشین، ص ۱۵۱.

ه- در قتل عمد با تقاضای اولیای دم برای اقامه بینه حداکثر به مدت شش روز. تبصره یک: در جرایم منافی عفت چنانچه جنبه شخصی نداشته باشد، در صورتی بازداشت متهم جایز است که آزاد بودن وی موجب افساد شود.

تبصره دو: رعایت مقررات بند (د) در بندهای الف، ب و ج نیز الزامی است.»

ملاحظه می‌شود که قانونگذار پس از بیان جرایم مورد نظر در بند دال که مفاد آن در مورد همه جرایم الزامی است، شرایطی را ذکر کرده است که صرفاً در صورت احراز آن شرایط می‌توان قرار بازداشت موقت صادر نمود. در ماده ۳۵ نیز قانونگذار در صدر ماده قید نموده است که در موارد زیر با رعایت قیود ماده ۳۲ این قانون و تبصره‌های آن هرگاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت الزامی است و تا صدور حکم بدوی ادامه خواهد یافت، مشروط بر آنکه مدت آن از حداقل مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی تجاوز ننماید. سپس مصادیقی چون قتل عمد، آدم‌ربایی، اسیدپاشی، محاربه و افساد فی الارض و جرائمی را که مجازات قانونی آنها اعدام یا حبس ابد است، ذکر می‌کند و در جرائمی چون سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشا، خیانت در امانت، جعل و استفاده از سند مجعول در صورتی که متهم حداقل یک فقره سابقه محکومیت قطعی یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیرقطعی به علت ارتكاب هر یک از جرائم مذکور را داشته باشد، مشمول این حکم می‌داند و در نهایت نیز مواردی را که آزادی متهم موجب فساد باشد و در کلیه جرائمی که به موجب قوانین خاص [بازداشت موقت] مقرر شده باشد، به عنوان مصادیق بازداشت موقت اجباری ذکر می‌کند.

با نگاهی به صدر ماده ۳۵ ملاحظه می‌شود که اجرای این ماده منوط به رعایت قیود ماده ۳۲ این قانون و تبصره‌های آن است و همان گونه که بررسی شد، یکی از قیود ماده ۳۲ رعایت شرایط بند دال آن ماده است که به صراحت تبصره ۲ آن ماده رعایت شرایط این بند در مورد سایر بندها نیز الزامی است. شرایط مندرج در بند دال ماده ۳۲ نیز به گونه‌ای است که احراز آن شرایط از جمله اینکه آیا آزاد بودن متهم در جرائم خاصی باعث از بین رفتن آثار و دلایل می‌شود یا خیر، در اختیار مقام قضایی صادرکننده قرار بازداشت است. به این ترتیب با توجه به بند دال ماده ۳۲ که رعایت آن در همه قرارهای بازداشت به تصریح قانون الزامی است، ملاحظه می‌شود که مقنن خواسته یا ناخواسته قرار بازداشت موقت را از نظام

کیفری ایران برچیده است و بنا به مراتب فوق می‌توان گفت که هم‌اکنون در آیین دادرسی کیفری کشورمان قرار بازداشت موقت اجباری وجود ندارد و چنانچه مقام تحقیق شرایط بند دال ماده ۳۲ را احراز ننماید، نمی‌تواند قرار بازداشت صادر نماید.

۴. خودسرانه نبودن بازداشت و ضرورت توجیه قرار بازداشت موقت

صدور قرار بازداشت موقت باید صرفاً در اختیار مقام قضایی باشد و ضابطین دادگستری و مقامات اداری دستگاه عدالت کیفری چنین اختیاری ندارند و گرنه چنین بازداشتی خودسرانه خواهد بود. رعایت نشدن تشریفات قانونی باید به بطلان قرار بازداشت و مجازات مقام صادرکننده منجر شود. زیرا همان‌گونه که قبلاً بیان شد، این قرار به محرومیت اشخاص از حق آزادی منجر می‌شود که علی‌الاصول این مجازات شدید متعاقب یک رسیدگی و با تصمیم یک مقام قضایی انجام می‌شود. گاهی بر اساس مقررات داخلی یک کشور ممکن است صدور قرار بازداشت موقت به دلیل آن که در قانون تجویز شده است، خودسرانه تلقی نشود، در حالی که بر اساس استانداردهای بین‌المللی همین بازداشت، می‌تواند خودسرانه تلقی شود. برای نمونه، چنانچه قانونی به منظور نقض استانداردهای بین‌المللی بنیادین نظیر حق آزادی بیان وضع شده باشد و در آنجا بازداشت موقت تجویز شده باشد، این بازداشت خودسرانه است.^۱ کمیته حقوق بشر توضیح داده است که اصطلاح «خودسرانه» مندرج در ماده ۹ (۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نه تنها شامل بازداشت‌های غیرقانونی است، بلکه باید به گونه‌ای وسیع‌تر تفسیر شود تا بازداشت‌های نامتناسب و برخلاف عدالت را نیز در بر بگیرد.^۲ از آنجا که قرار بازداشت به سلب آزادی شخص منجر می‌شود و از لحاظ آثار شبیه به احکام قضایی است، قطعاً مقام صادرکننده آن باید یک مقام قضایی باشد. حال سخن بر سر این است که: این مقام قضایی چه کسی باید باشد، دادستان، بازپرس، قاضی پرونده یا مقامی دیگر؟ در این زمینه قوانین کشورها راه‌های مختلفی را طی کرده‌اند. به موجب کد ۱۸۰۸ ناپلئون اختیارات قاضی تحقیق (بازپرس) در زمینه بازداشت و آزادی اشخاص به اندازه‌ای بود که ناپلئون قاضی تحقیق را پس از خود مقتدرترین شهروند فرانسوی تلقی می‌کرد.^۳

1. Amnesty international fair trials Manual, section A. available at: <http://www.amnesty.org/ailib/intcam/fairtrial/indxftm-a.htm>.

2. Ibid

۳. محمد، آشوری، همان، ص ۱۳۹.

به تدریج، تحت تأثیر افکار آزادی خواهانه و حقوق بشری، اختیار بازپرس در این زمینه محدودتر شد. به موجب اصلاحات بعدی قانون آیین دادرسی کیفری، مرحله صدور قرار بازداشت موقت حالت ترافیکی به خود گرفت و بازپرس مکلف شد هنگام بازداشت شخص، به او اطلاع دهد که حق استفاده از مشاور انتخابی یا انتصابی را دارد و نیز برای تهیه دفاع مهلتی به او بدهد. تصمیم بر بازداشت موقت باید در جلسه ای اتخاذ شود که در آن وکیل انتخابی یا تسخیری متهم حضور داشته باشد و دلایل خود را ارائه نماید و دادستان نیز درخواست های خود را مطرح نماید.^۱

اصلاحات بعدی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه از این مرحله نیز فراتر رفت و با ایجاد «قاضی آزادی ها و بازداشت ها» این مرحله از دادرسی کیفری هر چه بیشتر به سوی ترافیکی شدن و اقتباس از سیستم اتهامی پیش رفت، به گونه ای که هم اکنون بازپرس پس از جمع آوری دلایل له و علیه متهم، چنانچه بازداشت او را لازم بداند درخواست خود را به «قاضی آزادی ها و بازداشت ها» تقدیم می نماید و این مقام نیز متعاقب این امر جلسه ای با حضور متهم و وکیل مدافع او، دادستان و بازپرس تشکیل می دهد و پس از استماع دلایل طرفین در توجیه یا رد قرار بازداشت، تصمیم می گیرد و بازپرس صرفاً حق صدور قرارهای کنترل قضایی را خواهد داشت. مقام قضایی ذی صلاح برای صدور قرار بازداشت موقت باید مکلف به توجیه قرار بازداشت باشد و در قرار خود دلایل صدور را ذکر کند تا در صورت اعتراض متهم به این قرار و تجدیدنظر خواهی از آن، دلایل مذکور در مرحله بالاتر ارزیابی گردد. در حقوق ایران اکنون که با احیای دادسرا و دادگاه به موجب قانون و اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب (۱۳۸۱) سعی بر آن بوده است که از اختلاط مراحل تعقیب، تحقیق و رسیدگی جلوگیری شود، در مورد بازداشت موقت نیز مناسب بود که سیستم به گونه ای طراحی شود که هر قاضی بی طرف بتواند در پایان تحقیقات مقدماتی بازپرس، در جلسه ای به صورت ترافیکی تصمیم خود را مبنی بر لزوم یا عدم لزوم بازداشت موقت اعلام نماید.^۲ از سوی دیگر لازم است که قانونگذار با بسط و توسعه قرارهای جانشین

۱. لواسور، استفانی بولوک؛ منبع پیشین، ص ۸۴۵

۲. هم اکنون اختیارات بازپرس و دادستان در صدور و اجرای قرار بازداشت موقت و نحوه نظارت قضات دادگاه بر آن تقریباً مشابه با وضعیتی است که در قانون آیین دادرسی کیفری قبل از دادگاه های عمومی، لازم الاجرا بود. نحوه صدور قرار بازداشت و اعتراض به آن در ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب (اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸) آمده است.

قرار بازداشت موقت (قرارهای کنترل قضایی) - که اکنون نمونه‌هایی از آن نظیر قرار وثیقه، کفالت، التزام به عدم خروج از حوزه قضایی در قانون ما وجود دارد- و در عین حال با محدود کردن موارد صدور قرار بازداشت، قضات را از استفاده مفرط از قرار بازداشت منع نماید.^۱

۵. قرارهای تأمینی محدودکننده آزادی و پذیرش حق اعتراض متهم نسبت به آنها در پرونده‌های کیفری، پس از تفهیم اتهام به متهم، مقام قضایی برای اطمینان خاطر از حیث دسترسی به متهم و حاضر شدن او برای بازجویی و دادرسی و اجرای حکم و همچنین با هدف جلوگیری از امحای آثار جرم و دلایل آن و پیشگیری از تبانی متهم با شهود و مطلعان قرارهایی موسوم به قرار تأمینی صادر می‌کند. این تصمیم قضایی گاهی منجر به بازداشت متهم می‌شود و گاهی شدت آن کمتر است و تنها به ملتزم شدن متهم به عدم خروج از کشور یا حوزه قضایی خاص یا اجبار او به معرفی کفیل یا سپردن وثیقه منتهی می‌گردد.^۲ هم اکنون مواد ۱۳۲ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین موادی از قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، انواع قرارهای تأمینی را بر شمرده‌اند و احکام ناظر بر آنها را بیان کرده‌اند. یکی از اصول حاکم بر این قرارها، لزوم تناسب آنها با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام انتسابی است. یکی دیگر از اصول حاکم بر قرارهای تأمینی آن است که چون برخی از این قرارها با وجود حاکمیت فرض برائت در مرحله تحقیقات مقدماتی باعث سلب آزادی متهم می‌شوند، وی بتواند نسبت به آنها اعتراض نماید و مرجع دیگری غیر از مرجع صادرکننده قرار به این اعتراض رسیدگی کند. تفصیل همه این مطالب در حوصله این مجال نیست. لذا از این میان صرفاً به ضرورت پذیرش حق اعتراض متهم نسبت به قرارهای تأمینی می‌پردازیم. از آنجا که قرار بازداشت به محروم شدن متهم از آزادی رفت و آمد و برخی حقوق دیگر منجر می‌شود، بنا بر اهمیت این تصمیم

۱. در لایحه جدید آیین دادرسی کیفری نیز با آنکه تلاش بر آن بوده است که موارد صدور قرار بازداشت موقت را محدود نماید، همچنان مرجع صدور قرار بازداشت موقت، بازپرس است. البته دادستان نیز باید در مورد قرار مذکور موافقت خود را اعلام نماید و الا حل اختلاف بر عهده دادگاه خواهد بود. متهم نیز ظرف ده روز می‌تواند نسبت به قرار مذکور به دادگاه صالح اعتراض نماید. (ر.ک: مواد ۱۲۳/۱۴۹ به بعد لایحه آیین دادرسی کیفری).

۲. غلامحسین، مسعود، آیین دادرسی کیفری (قرارهای محدودکننده آزادی)، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۱.

قضایی، لازم است که دوباره رسیدگی شود و چنانچه قرار بازداشت را مقام تحقیق (بازپرس) صادر نموده است، پس از اعتراض متهم، یک مقام قضایی بالاتر در آن تجدید نظر کند و در صورت غیرقانونی بودن قرار، آن را نقض نماید. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد کشورها را دعوت نموده است که شرایط دادرسی را به گونه‌ای فراهم کنند تا اشخاصی که بر اثر قرار بازداشت از حق آزادی محروم شده‌اند، بتوانند دعوی‌ایی نزد دادگاه صالح مطرح نمایند و در مورد قانونی بودن بازداشت خود مناقشه نمایند و دادگاه نیز فوراً رسیدگی نماید و بدون تأخیر در مورد قانونی یا غیرقانونی بودن بازداشت اظهار نظر کند و در فرض تشخیص غیرقانونی بودن بازداشت، حکم آزادی متهم را صادر نماید.^۱

لازمه به رسمیت شناختن حق اعتراض متهم به قرار بازداشت، این است که نسخه‌ای از قرار که به صورت مستدل و موجه صادر شده باشد، به متهم ابلاغ شود تا او بتواند با اطلاع دقیق از علت بازداشت و دلایل آن، با ارائه دلایل و مستندات نقض آن را در دادگاه بالاتر درخواست نماید.

در نظام حقوقی ایران با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۸) پس از گذشت پنج سال که حق اعتراض به قرار بازداشت به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب از بین رفته بود، بار دیگر احیا شد. بر اساس ماده ۳۳ قانون مذکور متهم ظرف ده روز حق تجدید نظر بر قرار بازداشت را داشت و مرجع تجدید نظر آن هم دادگاه تجدید نظر استان بود که با نظام تعدد قاضی رسیدگی می‌کنند. بر اساس ماده ۳۷ همین قانون قضات مکلف بودند که قرار بازداشت را مستدل، مستند و موجه صادر نمایند و قرار بازداشت نیز هر ماه باید تمدید یا فک می‌گردید، لذا در صورت تمدید قرار، هر ماه یک‌بار حق تجدید نظرخواهی برای متهم فراهم می‌شد.

لازم است ذکر شود که در سال ۱۳۸۱ و در پی اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، دادرسی را به نظام عدالت کیفری ایران بازگرداندند. متعاقب این امر و بر اساس بند «ح» ماده ۳ این قانون، خود بازپرس یا به تقاضای دادستان می‌تواند در تمام مراحل تحقیقاتی در موارد مقرر در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، قرار بازداشت موقت متهم را صادر نماید. در صورتی که بازپرس خود قرار بازداشت موقت را

1. Commission Resolution 1992/35 and sub-commission Resolution 1991/15.

صادر کرده باشد، مکلف است ظرف بیست و چهار ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد دادستان ارسال نماید. هر گاه دادستان با قرار بازداشت موافق نباشد، نظر دادستان متبع است و چنانچه علت بازداشت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه بازداشت نباشد، بازداشت با موافقت دادستان رفع خواهد شد و همچنین در موردی که دادستان تقاضای بازداشت کرده و بازپرس با آن موافق نباشد، حل اختلاف حسب مورد با دادگاه عمومی یا دادگاه انقلاب محل خواهد بود.

بر اساس بند «ن» همین ماده قرار بازداشت موقت که به شرح فوق صادر می‌شود، ظرف ده روز در دادگاه صالحه - حسب اتهام، دادگاه عمومی کیفری یا دادگاه انقلاب - قابل اعتراض خواهد بود. نکته‌ای که در اینجا باقی می‌ماند، این است که بر اساس ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری در مواردی که قرار تأمین کفالت یا وثیقه صادر شده اما متهم از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه عاجز باشد، بازداشت خواهد شد. عملاً نیز قسمت عمده‌ای از بازداشت‌شدگان همین دسته افراد هستند. در حالی که هیچ‌گونه حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی برای این افراد متصور نیست. لذا لازم است که قانونگذار صراحتاً دامنه حق اعتراض به قرار بازداشت را به سایر قرارهای تأمینی هم که در آنها بازداشت بدل از وثیقه یا کفالت انجام می‌شود، سرایت دهد.

۶. وضعیت حقوقی اعتراض به قرار بازداشت صادره از دادگاه کیفری استان

مطلب قابل توجه دیگر در این قسمت، بررسی امکان اعتراض به قرارهای بازداشت صادره از دادگاه کیفری استان است. در سال ۱۳۸۱ با اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، رسیدگی به برخی جرائم مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود؛ نظیر جرائم مشمول حد زنا و لواط و همچنین جرائم اطفال (تبصره ۳ ماده ۳ قانون مذکور). به این ترتیب در خصوص این دسته از جرائم، دادگاه در دو جایگاه نقش خواهد داشت. وظیفه اول انجام تحقیقات مقدماتی است که در این مقام، دادگاه وظایف ذاتی دادسرا و بازپرسی را انجام می‌دهد. وظیفه دوم دادگاه در این گونه موارد، رسیدگی به اتهامات و نهایتاً صدور حکم متناسب است. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که در پرونده‌هایی که مستقیماً به دادگاه ارجاع می‌شود، دادگاه در مقام انجام تحقیقات مقدماتی ممکن است صدور قرار بازداشت یا قرار

تأمینی منجر به بازداشت را در نظر بگیرد. طبیعتاً در این گونه موارد نیز که قرار بازداشت در دادگاه و دادسرا صادر می شود باید حق متهم مبنی بر امکان اعتراض به قرار بازداشت به رسمیت شناخته شود و در صورت اعتراض به قرار بازداشت در دادگاه بالاتر به این اعتراض رسیدگی شود.

یکی از دادگاه‌هایی که در این قانون پیش‌بینی شده، دادگاه کیفری استان است که خود شعبه‌ای از دادگاه تجدید نظر است و با ترکیب پنج قاضی به برخی از شدیدترین جرائم رسیدگی می کند و اصولاً مجازات برخی از انواع حدود مندرج در تبصره ۳ ماده ۳ قانون مذکور (زنا و لواط)، اعدام و یا رجم است که طبق تبصره یک ماده ۲ همان قانون رسیدگی به این جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری استان است و طبیعتاً از اولین اقدامات دادگاه کیفری استان در انجام تحقیقات مقدماتی این جرائم صدور قرار تأمین کیفری است که عمدتاً نیز به لحاظ طبع جرائم مذکور قرار بازداشت موقت خواهد بود.

حال سؤال که این است که در این نوع جرائم که تعداد آنها به نسبت زیاد است آیا متهم می تواند به قرار بازداشت صادره از دادگاه کیفری استان اعتراض کند یا خیر؟ و در صورت امکان اعتراض، مرجع رسیدگی به این اعتراض کیست؟ در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد و دو دیدگاه می توان ارائه کرد. دیدگاه نخست آن است که با توجه به اینکه در قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب قرارهای قابل اعتراض یعنی قرارهایی که بازپرس صادر کرده و دادستان با آن موافق باشد، به تصریح مشخص شده اند و در خصوص قرار بازداشت صادره از دادگاه کیفری استان هیچ نصی وجود ندارد. لذا قرار بازداشت موقت صادره از دادگاه کیفری استان قطعی است. در تأیید این نظریه نیز به نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۶۸ مورخ ۱۳۸۲/۲/۳۱ اداره حقوقی قوه قضائیه استناد می شود که بیان می کند: «در مورد قرار بازداشت موقت دادگاه کیفری استان، قانون احیاء دادسرا در این زمینه ساکت بوده ... لذا قرار بازداشت موقت اگر از سوی این دادگاه صادر شود، قطعی است».

دیدگاه دوم معتقد به قابل اعتراض بودن کلیه قرارهای بازداشت است، ولو آنکه این قرار را دادگاه کیفری استان صادر نموده باشد. زیرا هر چند که قانون اصلاحی مصوب ۱۳۸۱ در مورد صدور قرار بازداشت موقت در دادگاه کیفری استان، نص صریحی ندارد و عمده مباحث این قانون در خصوص قرار بازداشت صادره از دادسرا و نحوه اعتراض به آن است.

اما همان گونه که ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری تصریح کرده است: «کلیه قرارهای بازداشت موقت باید موجه و مستدل بوده و مستند قانونی و دلایل آن و حق اعتراض متهم در متن قرار قید شود...» اصولاً امکان اعتراض به قرار بازداشت یکی از حقوق متهم است که باید آن را تضمین نمود. مضاف بر آن، عبارات آیین دادرسی کیفری از جمله ماده ۳۳ آن، حکایت از قابل اعتراض بودن کلیه قرارهای بازداشت دارد. همچنین سابقاً و هنگامی که در غیاب دادرسی و در زمان حاکمیت قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (دادگاههای عام) سال ۱۳۷۳ درباره امکان یا ممنوعیت اعتراض به قرار بازداشت بین دادگاهها اختلاف نظر وجود داشت، هیأت عمومی دیوان عالی کشور به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۷۳-۱۳۷۸/۶/۲ صراحتاً اعلام کرده است که «... طبعاً قرار بازداشت نظر به لزوم حفظ حقوق قانونی متهم کماکان قابلیت شکایت و اعتراض از طرف متهم را خواهد داشت، مضافاً اینکه عدم قید قرار بازداشت در عداد قرارهای قابل اعتراض در بند ب ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب هم دلالت بر قطعیت قرار مذکور ندارد...».

بنابراین با عنایت به صراحت قانون آیین دادرسی کیفری که کلیه قرارهای بازداشت را قابل اعتراض می داند و همچنین با توجه به مفاد رأی وحدت رویه مذکور و مفاد قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، به نظر می رسد به هیچ وجه نمی توان به صرف سکوت قانون اخیرالذکر در خصوص نحوه اعتراض به قرار بازداشت صادره از دادگاه کیفری استان، این نوع قرارها را قطعی و غیر قابل اعتراض دانست و طبیعتاً در صورت اعتراض متهم به این گونه قرارها باید به این اعتراض در مرجع بالاتر یعنی دیوان عالی کشور که در این مقام در خصوص تصمیمات دادگاه کیفری استان نقش دادگاه تجدیدنظر را دارد، رسیدگی شود.

نتیجه

با توجه به آثار سوء بازداشت موقت، از آن به عنوان «بد ضروری» یاد می شود. قانون آیین دادرسی کیفری ایران در تبیین قرارهای بازداشت موقت اختیاری و اجباری تشتت دارد. از یک سو با تفکیک قرارهای بازداشت در دو ماده جداگانه ابتدا در ماده ۳۵ سعی در احصای

بازداشت‌های اجباری داشته است، اما با ارجاع به شرایط مندرج در ماده ۳۲ و تبصره‌های آن عملاً باعث می‌شود که هیچ‌گاه قرار بازداشت اجباری در نظام حقوقی ایران باقی نماند و در همه موارد مقام تحقیق پس از احراز شرایط مندرج در ماده ۳۲ عنداللزوم می‌تواند قرار بازداشت صادر نماید. البته این رویکرد (لغو قرار بازداشت موقت اجباری) با موازین بین‌المللی و رویکرد جهانی نسبت به قرار بازداشت همخوانی بیشتری دارد.

در مورد اعتراض به بازداشت‌های بدل از سایر قرارها در نظام کیفری ایران هنوز ابهامات جدی هست که قانونگذار باید به نحو صریحی دامنه حق اعتراض به قرار بازداشت را به سایر قرارهای تأمینی هم که در آنها بازداشت بدل از وثیقه یا کفالت انجام می‌شود، سرایت دهد.

همچنین مرجع اعتراض به قرار بازداشتی که مستقیماً دادگاه کیفری استان صادر می‌کند مشخص نیست و عدم تصریح قانونی باعث شده است این دیدگاه قوت بگیرد که این نوع قرار بازداشت‌ها قطعی هستند که این نظر نیز با قانون آیین دادرسی کیفری مغایرت دارد.

منابع

- استفانی، لواسور، بولوک؛ آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- محمد، آشوری، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ ۱۳۷۹.
- لواسور، استفانی بولوک، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
- غلامحسین، مسعود، آیین دادرسی کیفری (قرارهای محدودکننده آزادی)، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- Commission Resolution 1992/35 and sub-commission Resolution 1991/15.
- Amnesty international fair trials Manual, section A. available at: <http://www.amnesty.org/ailib/intcam/fairtrial/indxftm - a.htm>.